روزنامه شهروند

فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: **جمعیت هلال احمر**

مدیر مسئول: **عبدالرسول وصال**

سردبیر: **کسری نوری**

نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱

چاپ: روزتاب

توزیع : شرکت پیام‌رسان پیروز شرق

تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:

|اذان صبح ۰۴:۵۰:۳۵|طلوع آفتاب ۰۶:۱۴:۰۴|

|اذان ظهر: ۱۲:۱۳:۰۸|غروب آفتاب: ۱۸:۱۲:۱۱|

|اذان مغرب: ۱۸:۳۰:۱۴|

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

سپاسگزاری، بازگو کننده نیت است و زبانِ درون. **امام علی(ع)**

اوراق هستی

ای خوش اندر گنج دل زر معانی داشتن
نیست گشتن، لیک عمر جاودانی داشتن
عقل را دیباچه اوراق هستی ساختن
علم را سرمایه بازارگانی داشتن
کِشتن اندر باغ جان هر لحظه‌ای رنگین گلی
وندران فرخنده گلشن باغبانی داشتن
دل برای مهربانی پروراندن لاجرم
جان به تن تنها برای جانفشانی داشتن
ناتوانی را به لطفی خاطر آوردن بدست
یاد عجز روزگار ناتوانی داشتن
در مداین میهمان جغد گشتن یک شبی
پرسشی از دولت نوشیروانی داشتن
صید بی پَر بودن و از روزن بام قفس
گفتگو با طایران بوستانی داشتن

پروین اعتصامی

تقویم تاریخ

روز پروین اعتصامی

۱۰۸ سال پیش، برابر با ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی، رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی، شاعره مشهور ایرانی در تبریز به دنیا آمد. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدر آموخت و از همان کودکی سرودن شعر را آغاز کرد. او از پایه‌گذاران سبک شعر مناظره‌ای است و در زمان حیاتش مجموعه‌ای از شعرهایش در قالب‌هایی مانند مناظره، مثنوی، قطعه و قصیده در قالب دیوان اشعار به چاپ رسید. او ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در ۳۵ سالگی بر اثر بیماری حصبه درگذشت. روز ۲۵ اسفندماه روز بزرگداشت پروین اعتصامی نامگذاری شده‌است.

بمباران شیمیایی حلبچه

۲۷ سال پیش، برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ خورشیدی، شهر کردنشین حلبچه، توسط ارتش صدام حسین با استفاده از گازهای وی‌ایکس، سارین، تابون و خردل مورد بمباران شیمیایی قرار گرفت. این بمباران بخشی از عملیات گسترده‌ای به‌نام عملیات «انفال» بود که بر ضدساکنان مناطق کردنشین عراق انجام گرفت. در پی عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران و تصرف بخش‌هایی از کردستان عراق که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام حسین به پسرعمویش علی حسن‌المجید معروف به علی شیمیایی، دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. در پی این حمله حدود ۵هزار تن از مردم حلبچه کشته‌شدند.

درگذشت سیداحمد خمینی

۲۰ سال پیش، برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۷۳ خورشیدی، حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، دومین فرزند امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بر اثر سکته‌مغزی درگذشت. ایشان در سال‌های پیش و پس از انقلاب در سازماندهی روابط امام(ره) با مسئولان نقش مهمی داشت. حجت‌الاسلام سیداحمد در تاریخ ۱۳۴۸/۷/۱۱ با دختر آیت‌الله سلطانی طباطبایی ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج سه فرزند پسر به نام‌های: سیدحسن خمینی، سیدیاسر خمینی و سیدعلی خمینی است که همگی روحانی هستند.

شهروَنگ

خواستگاری در ادوار مختلف

پدرام ابراهیمی

طنزنویس

pedram7@gmail.com

تذکر: این ماجراها براساس خاطرات افراد جداگانه و بی‌ربط به هم نوشته شده‌اند.

سال ۱۳۷۴

آقا پسر ۱۹ ساله به همراه پدر، مادر، برادر و سه خواهر، هر چهاردایی و هر سه‌خاله، خان‌عمو و دو جفت پدربزرگ و مادربزرگ می‌روند به منزل امیدشان. پدر دختر که منتظر است همه بروند داخل و در را ببندد: «بفرمایید... خوش آمدید... پسرم کامل اومدی داخل دروببندم؟!»

خواستگار با یک دنیا شرم‌وحیا: «نه... اجازه بدید سه پیل از شلوارم هنوز تو کوچه‌س!»

(خانواده‌ها دور تادور نشسته‌اند و برای این که اول زندگی دو جوان، دودستگی و تفرقه نباشد، دارند موج مکزیکی می‌سازند! بعداز آن...)

پدردختر: خب پسرم چندسالته؟

خواستگار که نزدیک است آب بشود برود توی فرش: با اجازه شما ۱۹ سال.

پدردختر: ماشاا... ماشاا... با این سنات چه سبیلی داری... آفرین... خب ببینم؛ این پشت مورو کدوم سلمونی برات درست کرده؟ ماشاا.. ماشاا.....

خواستگار: همین علی‌آقا رشتی پایین چهارراه.

پدردختر: خب چیکار می‌کنی؟ شغلت چیه؟

خواستگار: وردست بابام توجیگر کی سیخ می‌زنم.

مادربزرگ پدری پسر: خب این حرفا رو ول کنید. بریم سر اصل مطلب؛ آقا آخرش چندسکه؟!

سال ۱۳۷۹

آقا پسر ۲۴ ساله به همراه پدر و مادر و خواهر و عمو و عمه و خاله بزرگ و دایی و آخرین بازمانده از دوران نوروزوئیک یعنی مادربزرگ وارد منزل امیدمی‌شوند.

پدردختر رو به پسر: ببینم این چیه به موهات زدی؟

خواستگار: بااجازه بزرگترها؛ ژل کتیرا.

پدر دختر: دیگه تکرار نشه. خب تعریف کن... شغلت چیه؟ چه‌می‌کنی؟ چه‌نمی‌کنی؟

خواستگار: دانشجوهستم...

پدردختر: چی؟! خانم پاشو زنگ بزن کلانتری.

مادر بزرگ پسر: آقا خون خودتونو کثیف نکنید... پسر ما دانشجوی پشمک‌سازی دانشگاه آزاد قطورکلای ساوجبلاغه... اصلا این حرفا رو بگذاریم کنار. آخرش چندسکه؟!

سال ۱۳۸۳

آقا پسر ۲۹ ساله و پدر و مادر و خاله بزرگه پشت در منتظر هستند. خان‌عمو قهر کرده ونیامده.

پدر دختر هنگام ورود پسر برایش جفت پا می‌گیرد و داماد بالقوه باسر می‌رود توی بوفه آن طرف پذیرایی!

خاله پسر: وا؟! آقا این کار اچیه؟

پدردختر: من چیکاره بیدم؟ هرهرهر

پسر که دارد خون سرش را با دستمال پاک می‌کند: آقا ببخشید سرویس بهداشتی کجاست؟

پدر دختر: ها الان این سرویس بهداشتی که و گفتی یعنی چه؟ هارهارهار

مادر پسر به شوهرش: بیا برگردیم بابا فکر کنم این یارو کلن پیاده‌ست.

پدر پسر: هر چی خاله جان بگه. خاله جان؟ نظرتون چیه عزیزدل انگیز؟!

خاله بزرگ: آقا این حرفا رو ول کنید عزیز دل برادر. آخرش چندسکه؟!

سال ۱۳۸۸

مادر و خاله [خیلی] بزرگه داماد، برای آقاپسر ۳۴ ساله‌شان به‌صورت غیابی خواستگاری می‌کنند.

پدر دختر: خب خب خوش آمدید... چرا آقا پسر رو نیاوردید؟ کجان؟ شرم حضور داشتن حتمن.

مادر پسر: یه‌جایی هستن که نمیشه نوشت!

خاله خیلی بزرگه: این حرفا رو ول کنید. آخرش چند سکه؟!

سال ۱۳۹۳

آقا پسر ۳۹ ساله با دختر خانم ۴۲ ساله در کافی‌شاپ نشسته‌اند و دارند حساب می‌کنند مگر یک لیوان آب‌جوش و یک چای کیسه‌ای چقدر تمام می‌شود که قیمت‌اش ۷۰۰۰ تومان است؟!

پسر: من می‌خواستم باهات درباره موضوع مهمی صحبت کنم. حتمن در این چندسال با نظر فلسفی من درباره ازدواج آشنا شدی. البته من بیشتر درباره ازدواج نظر شوپنهاور رو قبول دارم تا نظر کانت رو...

دختر: بله. به نظر من هم تئوری‌های شناختی شوپنهاور...

(تلفن پسر زنگ می‌زند. روی گوشی نوشته شده Grand Khaale)

پسر: الوسلام...

خاله بزرگه: الو؟؟؟ این حرفا رو ول کنید. آخرش چند سکه؟!

نگاه

پنجره‌های کوچک

محمود اشرفی

روزنامه‌نگار

بازارهای ملی در برابر تندباد برندهای بین‌المللی، تاب و توان چندانی نخواهند داشت. این سرنوشت تمام تولیدکنندگانی است که از یک پنجره کوچک تنها افق محدود بازار ملی را پیش‌رو دارند. بازار داخلی به‌ویژه در کشورهایی که مردم از درآمد سرانه بالنسبه خوبی برخوردارند، فریبنده است. شکل‌گیری برندهای ملی ایران نیز در چنددهه گذشته براساس همین فریبندگی بوده است اما دل بستن به بازار چند ۱۰ میلیونی در رقابت فزاینده برندهای جهانی، دوام چندانی نخواهند داشت. برندهای خارجی برای محصولات و خدماتی که تنها بازار داخلی را هدف گرفته‌اند، شرایط بسیار ناپایداری را فراهم می‌کنند. برندهای جهانی براساس مدیریتی استراتژیک شکل گرفته و اداره می‌شوند. این نگرش استراتژیک، بازارهایی فراتر از بازار محدود ملی را پیش‌رو دارند و آرام آرام به ارزش‌های جهانی تبدیل شده و در ذهن مصرف‌کنندگان قاره‌ها اثراتی ماندگار برجا می‌گذارند. برند، مفهومی ذهنی بوده و برای اثرگذاری از تمامی حواس آدمی استفاده می‌کند. از این‌رو تنها یک نشانه نیست. برند مفهومی درهم تنیده بوده و ماندگاری بر ذهن مخاطبان را هدف گرفته است اما این اثرگذاری و ماندگاری تنها از طریق نشانه‌گذاری‌های ذهنی امکان‌پذیر نیست. میثاقی نانوشته بین مصرف‌کنندگان جامعه جهانی و برندهای جهانی وجود دارد. براساس این میثاق، زیر پا گذاشتن تعهدات صاحب برند نتیجه‌ای جز فراموشی برند را به دنبال نخواهد داشت. برندهای جهانی رهاورد نگرشی استراتژیک بوده و سازوکارهای شناخته شده سنتی در شکل‌گیری آنها موثر نیست. به طوری که منشأ برند می‌تواند کشوری جدید باشد. در این زمینه کره‌جنوبی و برندهای جهانی آن مثال زدنی است. برند، هویت‌سازی می‌کند اما این هویت‌آفرینی الزاما در کشورهایی با پیشینه تاریخی صورت نمی‌گیرد. در چنین شرایطی کشوری کهن آماج برندهای جهانی حوزه‌های جدید توسعه می‌شود. نباید فراموش کرد که هیچ بازار ملی مصون از نفوذ برندهای جهانی نیست. در رویارویی برندهای ملی و برندهای جهانی عمدتا برندهای ملی پایان غم‌انگیزی دارند اما این فرجام ناخوشایند را می‌توان با تدابیری دوراندیشانه به عاقبت خوش اقتصادی تبدیل کرد. برند از همان آغاز باید در چارچوب نگرشی فراملی شکل گرفته و بازار جهانی را پیش‌رو داشته باشد. تولیدکنندگان ایرانی باید گستره مبارزه با برندهای جهانی را از عرصه داخلی به گستره بازار جهانی یکشانند.

فوکوس ...

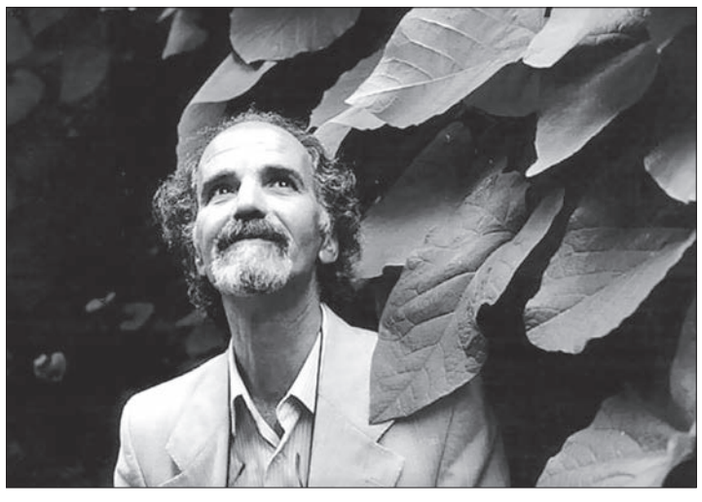

۷۷ سال پیش، برابر با بیست و پنجم اسفند ۱۳۱۶ خورشیدی، هوشنگ گلشیری، نویسنده معاصر ایرانی و سردبیر مجله کارنامه در اصفهان به دنیا آمد. گلشیری دوران کودکی خود را در آبادان گذراند و در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. او با نگارش رمان کوتاه «شازده احتجاب» در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی به شهرتی فراوان رسید. بسیاری این کتاب را از جمله قوی‌ترین داستان‌های ایرانی خوانده‌اند. گلشیری با تشکیل جلسات هفتگی داستان‌خوانی و نقد داستان از سال ۱۳۶۲ تا پایان عمر خود نسلی از نویسندگان را پرورش داد که در دهه ۷۰ خورشیدی به شهرت رسیدند. او همچنین از بنیانگذاران حلقه ادبی جُنگ اصفهان بود. منتقد ادبی، گلشیری را بعد از صادق هدایت از تأثیرگذارترین داستان‌نویسان ایرانی سده ۲۰ میلادی، دانسته‌اند. هوشنگ گلشیری ۱۶ خرداد ۱۳۷۹ در سن ۶۱ سالگی، بر اثر ابتلا به بیماری منتژیت که نخستین نشانه‌های آن از پاییز ۱۳۷۸ خورشیدی پدیدار شده بود، در بیمارستان ایران‌مهر درگذشت. او را در امامزاده طاهر شهر کرج به خاک سپردند.

محمدرضا ثقفی | کارتونیست | email: sunysaghafi@yahoo.com

کارتون شهر

حرف روز

جخ امروز از مادر نزاده‌ام

مهدی بهلولی

آموزگار

پس از ۱۵ روز، هیچ‌کدام از برنامه‌های شخصی و دل‌پسند خودم را نتوانستم درست و حسابی پی بگیرم و به هیچ‌کدام از هدف‌هایم نرسیدم. نه کتاب و مجله‌هایی را که کنار گذاشته بودم توانستم بخوانم و نه کاری روی متنی انجام دادم که از اینترنت گرفته بودم تا به فارسی برگردانم. گفته بودم در این روزها، دست‌کم ۵۶ یادداشت خوب هم بنویسم تا بعد و به‌موقع‌اش بفرستم برای روزنامه؛ این کار را هم نکردم. بیشتر روزها به بیهودگی و بیکاری گذشت و در پایان حسی داشتم آمیخته از زیان و آرزو. زیان از این که نتوانستم هیچ‌کدام از کارهای خِرَدپسند و دل‌پسند خودم را انجام دهم و آرزو از اینکه کاش اینجوری نبود و می‌شد از این زمان، بیشتر و بهتر بهره گرفت. از خودم پرسیدم – سال‌هاست که می‌پرسم- آیا «همه» اینجوری‌اند و نمی‌توانند در روزهای تعطیل جشن نوروز، کاری جدی و اندیشگی انجام دهند یا این تنها منم که توان مدیریت درست این روزها را ندارم؟ شاید هم این روزها، از بنیاد، برای این کارها نباشند؟ روزهای تعطیل برای سر زدن به بستگان و دوستانند، روزهای مسافرت و به در و دشت زدن، نه در کنج خانه نشستن و کتاب خواندن. هر کاری زمانی دارد و این روزها هم، روزهای کتاب، خواندن و نوشتن نیستند. نمی‌دانم، اما هر چه باشد برای من یکی که «بیهوده‌گذرانی» همبستگی و پیوند سفت‌وسختی با روزهای نوروز دارد و سال‌هاست که در روزهای پایانی این جشن، همان حس دوگانه زیان و آرزو، سراپای وجود مرا می‌گیرد.

نوروز البته جشن زیبا و باشکوهی است، یکی از بنیادهای هویت ملی ماست. نوروز یعنی من ایرانی ریشه‌ها دارم و همین چندی پیش نبوده که پا بر گیتی و هستی نهاده‌ام؛ به گفته بامداد: «جخ امروز از مادر نزاده‌ام. عمر جهان بر من گذشته است.» درست است که ریشه‌دار بودن همه‌چیز نیست اما چیز کمی هم نیست. نوروز با بزرگداشت طبیعت هم، پیوندی دیرینه دارد و در این زندگی و زمانه که هر روز از نابودی طبیعت می‌شنویم و از خردپریشی انسان مدرن و «خردگرا» در شگفتیم، جشن نوروز، فرزانه‌تر می‌نماید. پس ایراد به نوروز فرزانه برنمی‌گردد. ما با نوروز هم، سرسری و بازیگوشانه برخورد می‌کنیم؛ مانند همه «بزرگان» گذشته و کنونی‌مان و آن را هم نمی‌اندیشیم.

گفتم امسال که هنوز تا نوروز چند روزی مانده، کمی درباره نوروز و روزهای آینده بنویسم و احساسی که چه‌بسا در روزهای پایانی آن به سراغم آید. تصمیم گرفته‌ام هرجوری شده روزی چند ساعتی را با خواندن و نوشتن بگذرانم. تا می‌توانم از اینترنت، فیس‌بوک، تلفن همراه، وایبر، واتس‌اپ و تلگرام دوری گزینم. تلویزیون هم کم ببینم. می‌دانم که سخت است، اما ناشدنی که نیست. گفتم از همین نوشته هم پرینتی بگیرم و پیش از انتشار در روزنامه، در کلاس‌های درسم بخوانم به‌ویژه این بند را هم در آن بیاورم که چندی پیش در کتاب «بررسی و ارزیابی عملکرد سیاست آموزشی و تربیتی وزارت آموزش‌وپرورش» خواندم: «کتاب‌های درسی باید به موازات شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان، احساس مثبت نسبت به هویت ملی را در ذهن فراگیران در سطوح بالای عاطفی ایجاد کرده و آگاهی‌های موردنیاز، قدرت تجزیه‌وتحلیل را در آنان تقویت بخشد اما به نظر اهل فن، کتاب‌های درسی در ایران نتوانسته‌اند بین فرهنگ و سنت و ارزش‌ها، تناسبی ایجاد کرده و هنجارها را در دانش‌آموزان درونی‌نمایند.»

آب و هوا

اراک	۳ / ۱	اردبیل	۳ / -۳	ارومیه	۲ / ۱	اصفهان	۷ / ۳	اهواز	۲۹ / ۸	ایلام	۶ / ۱	بجنورد	۶ / ۲	بندرعباس	۲۲ / ۱۶
بوشهر	۲۲ / ۱۰	بیرجند	۴ / ۲	تبریز	۵ / ۰	تهران	۱۷ / ۷	خرم‌آباد	۵ / ۱	زاهدان	۲۱ / ۵	زنجان	۳ / ۰	سنندج	۹ / ۲
شهرکرد	۲ / -۱	قزوین	۷ / ۱	کرمانشاه	۶ / ۴	کرمان	۱۱ / ۵	گرگان	۷ / ۴	رشت	۱۱ / ۵	ساری	۸ / ۳	کرج	۷ / ۲
شیراز	۹ / ۴	سمنان	۶ / ۱	همدان	۸ / ۳	قم	۱۴ / ۲	مشهد	۱۰ / ۳	یاسوج	۱۰ / ۴	یزد	۱۳ / ۶	ابوموسی	۱۹ / ۱۲

...بارش در نوار شمالی

براساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، بارش‌ها همچنان در نوار شمالی کشور و دامنه‌های البرز متمرکز بوده و از بعدازظهر امروز و طی روز سه‌شنبه با شمالی شدن جریانات جوی بر دریای خزر، ضمن مواج شدن دریا، بارش‌ها در سواحل شدت می‌یابد.

طی امروز در ارتفاعات زاگرس مرکزی و جنوبی نیز، افزایش ابر و بارش پراکنده را خواهیم داشت. در پاره‌ای از نقاط استان‌های جنوبی ابرناکی و بارش پراکنده، گاهی با وزش باد پیش‌بینی می‌شود که به تدریج از مقدار ابرها در این مناطق کاسته خواهد شد.

همچنین در روزهای پایانی هفته افزایش ابر، وزش باد، رگبار و رعدوبرق در نوار جنوبی کشور را خواهیم داشت و در همین مدت خلیج فارس و تنگه هرمز مواج‌پیش‌بینی می‌شود.

آسمان تهران امروز نیمه‌ابری تاابری، در پاره‌ای نقاط همراه با بارش پراکنده در ارتفاعات بارش برف و وزش باد خواهد بود. حداقل و حداکثر دما ۷ و ۱۷ درجه سانتیگراد بالای صفر پیش‌بینی می‌شود. در روز سه‌شنبه نیز آسمان پایتخت نیمه‌ابری تاابری و در پاره‌ای نقاط بارش باران و در ارتفاعات بارش برف خواهد بود. حداقل و حداکثر دمای آن نیز ۸ و ۱۸ درجه سانتیگراد بالای صفر پیش‌بینی می‌شود. بنابر اعلام مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور، روز گذشته هوای مشهد و اصفهان سالم و هوای کلان شهرهای تهران، کرج و اهواز در شرایط ناسالم قرار داشته‌اند.

در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۲۹ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و اردبیل مرکز استان اردبیل با کمینه دمای منفی ۳ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند. طی روزهای گذشته اردبیل و چهارمحال و بختیاری، سردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.